حقیقت و مجاز در نگاه امام خمینی (ره)

تقدیم به

مرحوم امام خمینی (ره) که علاوه بر شجاعت سیاسی و بصیرتی که منجر به درخت تنومد انقلاب اسلامی شد و باعث گشت که اسلام دوباره به حقیقت خود بررگردد در آمسمان فقهات هم نیز این شجاعت را داشته اند که نظراتی را بیان کنند که اکثر علما مخالفت با آن دارند.

## چکیده

حقیقت و مجاز یک بحث ادبیاتی است که به علت عدم توجه علمای نحو و بیان به این مسئله و تاثیر آن در فقهات ، علمای اصول را بر آن داشته است که روی آن تمرکز کرده و در مورد آن اظهار نظر کنند. در بحث حقیقت و مجاز یک تعریف مشهور داریم که در اکثر کتب نحوی و اصولی دیده شده است. اما یک نظر مخالفی هم وجود دارد که اگر به دقت بررسی شود میتواند حکم های فقهی زیادی را تحت تاثیر قرار بدهد. در این مقاله پس از بیان نظر مشهور در مورد حقیقت و مجاز به بیان نظر غیر مشهور پرداخته و در آخر یکی از ثمرات فقهی آن را بررسی کرده ایم.

کلید واژه : حیقت و مجاز ، امام خمینی ، سکاکی

فهرست مطالب

[مقدمه 1](#_Toc41413005)

[مقدمات بحث 2](#_Toc41413006)

[تعریف عبدالقادر جرجانی : 2](#_Toc41413007)

[تعریف خطیب قزوینی : 2](#_Toc41413008)

[اقسام مجاز : 3](#_Toc41413009)

[نگاه غیر مشهور در بحث حقیقت و مجاز 4](#_Toc41413010)

[آثار فقهی تفاوت دو نگاه به حقیقت و مجاز 6](#_Toc41413011)

[نتیجه نهایی 7](#_Toc41413012)

[فهرست منابع 8](#_Toc41413013)

## مقدمه

منابع فقه اسلامی شامل قرآن ، سنت ، عقل و اجماع است. در دو منبع اولی با لفظ عرب سروکار داریم که شامل قواعد و قوانینی است. یکی از قاعده های زبان عرب مسئله حقیقت و مجاز است که بسیار در علم فقهات به درد میخورد و سر منشاء‌ بسیاری از حکم های فقهی است. لذا جا دارد که علمای این علم روی مسئله حقیقت و مجاز بیشتر دقت نماییند. این مسئله در اصل از مباحث علم ادبیات عرب است اما به جهت عدم دقت علمای این علم در مورد لفظ و تاثیرات آن در دیگر علوم علمای اصولی بر آن شده اند که این مسئله را مانند بعضی از مسائل علم ادبیات در اصول بیان کنند.

پس بررسی هایی که در کلام امام خمینی در مورد حکمی انجام شد ، به این نتیجه رسیدیم که نظر ایشان در مسئله حقیقت و مجاز یک نظر غیر متعارف است. لذا بر آن شدیم که این نظر را پیدا کرده و بدانیم که سر منشأ این نظر از کجاست؟‌ پس از تحقیق متوجه شدیم که این تنها نظر امام خمینی در این مسئله نبوده است و بعضا دیگر علمایی هم بوده اند که این نظر را داشته اند.

پس در این مقاله پس از بررسی نظر مشهور در مورد مسئله حقیقت و مجاز ، نظر غیر مشهور را که ابتدا بیان شده است را بررسی مینماییم و در آخر مشاهده میکنیم که اگر این نظر را قبول کنیم چه ثمرات فقهی به دست می آید و چگونه میتواند روی حکم تاثیر بگذارد.

## مقدمات بحث

در اول برای مشخص شدن بحث پیش رو باید تعریفی از مجاز و حقیقت ارائه بدهیم تا متوجه شویم که چه چیزی حقیقت و چه چیزی مجاز است. پس برای این امر دو تعریف از دو عالم بلاغی را ارائه میدهیم که عبارتنداز:

# تعریف عبدالقادر جرجانی :

او در تعریف حقیقت بیان میکند که ، حقیقت عبارت است از :**«كلّ كلمة أريد بها ما وقعت له في وضع واضع»** (جرجانی ،ص 248). برای مثال اگر ما برای حقیقت خارجی شیر جنگل کلمه أسد را وضع نماییم و زمانی که أسد را استعمال میکنیم ، آن را حقیقت را مد نظر داشته باشیم ، حقیقت کلمه أسد را استماعل کرده ایم.

هم چین در تعریف مجاز بیان میکند که مجاز عبارت است از : **«و أمّا المجاز، فكلّ كلمة أريد بها غير ما وقعت له في وضع واضعها، لملاحظة بين الثاني و الأوّل، فهي مجاز»** . مجاز طبق نظر ایشان یعنی آنچه که از آن معنای غیر از حقیقت خارجی وضع شده برایش مد نظر باشد. یعنی اینکه اگر ما کلمه أسد را استعمال کردیم و از آن شیر جنگل را اراده نکردیم ، بلکه از آن برای بیان شجاعت یک فرد استفاده کردیم ، به این طریقه مجاز میگویند. مجاز باید به نحوی باشد که یک نحوه ارتباطی با حقیقت داشته باشد. به نحوی که شما نمیتوانید از أسد استفاده نمایید برای بیان مثلا صفت خساست. چون هیچ ارتباطی بین أسد و خصلت خساست موجود نمیباشد.

# تعریف خطیب قزوینی :

ایشان در تعریف حقیقت بیان میکنند که : **«الكلمة المستعملة فيما وضعت له في اصطلاح به التخاطب»** . ایشان هم مانند آقای جرجانی تعریف یکسانی از حقیقت بیان کرده اند. ولی ایشان قیدی را وارد کرده اند که معنای دقیقی را از تعریف میشود استفاده کرد. ایشان بیان کرده اند که در **اصطلاح تخاطب** و این به معنای این است که اگر ما در فضای فقهی و شرعی در مورد چیزی صحبت میکنیم باید در همین فضا نسبت به یک لفظ داوری بین مجاز بودن یا حقیقت بودن را بکنیم. مثلا میگوییم که صلاة در فضای شرع به معنای حرکات و سکنات خاص برای شارع مقدس است. همین واژه در بین عرف به معنای دعا است. پس در فضای شرع همان فعل خارجی که از مکلف سر میزند حقیقت است و در بین عرف معنای دع حقیقت است و معنای فعلی که از مکلف صادر میشود مجاز. و ایشان مجاز را هم به غیر معنای حقیقی بیان کرده اند. یعنی **«المجاز: مفرد، و مركّب.أما المفرد فهو: الكلمة المستعملة في غير ما وضعت له، في اصطلاح به التخاطب، على وجه يصحّ، مع قرينة عدم إرادته‏»** .

# اقسام مجاز :

مجاز به دو دسته کلی مجاز مفرد و مجاز مرکب تقسیم میشود. همانگونه که خطیب قزوینی بیان کرده است. مجاز مفرد یعنی اینکه ما در مورد یک کلمه بحث کنیم. یعنی اینکه ایا این کلمه مجاز است یا حقیقت. و مجاز مرکب یعنی اینکه ما در مورد یک جمله این صحبت را انجام دهیم که آیا از این جمله همان چیزی که بیان میکند فهمیده میشود یا اینکه از این معنای جمله ما به یک چیز دیگری منتقل میشویم. مانند ضرب المثل ها.

مجاز مفرد طبق نظر مشهور تقسیم میشود به دو دسته کلی مجاز مرسل و استعاره **«المجاز ضربان: مرسل، و استعارة؛ لأن العلاقة المصحّحة إن كانت تشبيه معناه بما هو موضوع له فهو استعارة، و إلا فهو مرسل.»**. طبق آنچه که در بالا بیان شد ، برای داشتن یک معنای مجازی نیاز به قرینه داریم. یعنی اینکه بین معنای حقیقی و مجازی باید یک ارتباطی وجود داشته باشد تا اینکه کلام ما صحیح باشد. اگر قرینه ای که ما استفاده میکنیم برای بیان معنای مجازی تشبیه باشد ، به آن استعاره میگوییم. مانند زیدٌ أسدٌ . یعنی اینکه زید آنقدر شجاع است که به أسد شبیه است. ولی باید دقت شود که در مجاز استعاره ادات تشبیه به کار نرفته است. زیرا میخواهد ادعا کند که زید آنقدر شبیه به أسد است که به نحوی یکی از افراد أسد است. مجاز مرسل هم هرمجازی غیر از استعاره است. یعنی قرینهء بین حقیقت و مجاز غیر از تشبیه است **«المرسل، و هو ما كانت العلاقة بين ما استعمل فيه و ما وضع له ملابسة غير التشبيه، كاليد إذا استعملت في النّعمة (الإيضاح في علوم البلاغة، المعاني و البيان و البديع ؛ ص205)»**. قرائنی که در معنای مجاز مرسل استفاده میشود بسیار است. به عنوان مثال قرینه (ما کان) ، (سببیت) و ... که برای مطالعه بیشتر میتوان کتاب جواهر البلاغة رجوع کرد(هاشمی، 1381، ص 236).

## نگاه غیر مشهور در بحث حقیقت و مجاز

در بخش نگاه مشهور راجع به حقیقت و مجاز بیان شد. و الان زمان بررسی نظریه غیر مشهور در مورد حقیقت و مجاز است.

این نگاه را ابتدای امر جناب آقای سکاکی تا حدی پایه گذاری کرده اند. ایشان بیان میکنند که حقیقت کلمه ای است که بر معنایی که برای آن وضع شده است بالتحقیق دلالت دارد نه با تأویل. و بیان میکنند که مجاز عبارت است از چیزی که در معنای غیر ما وضع له استعمال شود بالتحقیق. و بیان میکنند که قید بالتحقیق در مجاز را برای آن ذکر کرده اند که ، استعاره را از آن خارج نشود. زیرا قائل هستند که استعاره در معنای ما وضع له استعمال شده است ولی به سبب بعضی از قرائن نمیشود گفت که همان معنای حقیقی است. یعنی چه‌ ؟‌ فرض کنید کسی بگوید که من أسدی را در حمام دیدم. همین در حمام دیدن قرینه میشود که أسد واقعی مد نظر نیست زیرا شیر جنگل نمتواند در حمام ظاهر شود(البته اشکال نشود که از نظر عقلی اشکال ندارد. بله این درست است ولی در فضای عرفی زمانی که شما بگویید شیری را در حمام دیدم ذهن عرف به این سمت نمیرود که شما یک شیر جنگلی را دیده اید. مثل اینکه اگر در همین فضا بیان کنیید که من أسدی را در جنگل دیدم ذهن عرف ابتدای امر به سمت شیر جنگل میرود.)

سپس اگر دقت شود ما آن شخصی را که میخواستیم به واسطه نسبت دادن این لفظ أسد برای او به صفت شجاعت متصفش کنیم ، ادعا شده است که یکی از افراد أسد است. یعنی در ذهن و خیالمان کأنّا برای او یک یال و کوپالی در نظر میگیریم و میگوییم آن شخص اینقدر در صفت شجاعت شبیه است که انگار یکی از افراد أسد است. پس اینجا حتما أسد معنای خودش را دارد. اما نه با دلالت ظاهریة بلکه با یک تأویل. برای بررسی نظر آقای سکاکی میتوانید به این کتاب او مراجعه کرد. (سکاکی، ص: 469).

نحوه دقت آقای سکاکی به مسئله استعاره فتح بابی برای علماء دیگر شده است که به این مسلئه با دقت بیشتری نگاه کنند.

از جمله آقای بروجردی (ره) در بحث حقیقت و مجاز دقیقا نظر ایشان را دارد. ایشان بیان میکنند که لفظ همیشه در معنای وضع له خود استعمال میشود. اگر اراده **جدی** ما از لفظ همان معنای موضوع له باشد ، استعمال حقیقی خواهد شد. اما اگر اراده ما عین آن وضع له یا افراد آن به صورت ادعایی باشد ، استعمال مجازی خواهد شد (‌منتظری ، 1415ق ،ص30).

استاد امام خمینی (ره) مرحوم اصفهانی (ره) در کتاب وقایه الاذهان این نگاه را به طور مفصل بیان میکنند ، و شاهد مثالهای زیادی را ذکر کرده و بیان میکنند که پس از این موارد به این نتیجه میرسیم که لفظ همیشه در معنای خودش استعمال میشود.(اصفهانی ، ص 101) این نگاه باعث شده است که مرحوم امام خمینی (ره) این نگاهشان را از ایشان اخذ نماید.

امام میفرمایند:لفظ در مجاز (چه مجاز استعاری ، چه مرسل) به صورت استعمال در معنای وضع له است. خب دقت شود امام خمینی پا را فراتر از استادش و اصل این نظریه یعنی مرحوم سکاکی گذاشته است. ایشان در مجاز مرسل هم نیز بیان میکنند که در معنای وضع له استعمال شده است. امام در ادامه بیان میکنند که تنها اراده جدی از یک لفظ است که حقیقت و مجاز را از هم جدا میکند. (لنکرانی ، 1415ق ، ص 102)

## آثار فقهی تفاوت دو نگاه به حقیقت و مجاز

یکی از مسائلی که در اینجا مطرح است این میباشد که در آیه « يا أيها الذين آمنوا انما المشركون نَجَس فلا يقربوا المسجد الحرام » دیگر علما حکم کرده اند که با توجه به اینکه کافر نجس میباشد حکم در اینجا خصوصیتی به کافر ندارد و ما بقی نجاست هم نباید به مسجد نزدیگ شود. مرحوم امام در اینجا اشکال میکنند که خیر این آیه تنها صرف کافر میباشد و دیگر نجاست را شامل نمیشود. به استدلال زیر دقت نمایید:

استدلال به این نحو است که در آیه شریفه حکم به لایقربوا متفرع بر نجاست مشرکین شده است. یعنی حکم به عدم نزدیکی به مسجد دائر مدار نجاست است. پس هر جا نجس صدق کند این حکم ثابت خواهد بود. امام این استدلال را نمی پذیرد و می فرماید: نهی از قرب به مسجد صرفا منوط به نجاست نیست، بلکه منوط به درجه بالایی از نجاست است که در مشرکین وجود دارد و این درجه از نجاست برای سایر نجاسات ثابت نیست با توجه به اینکه در این آیه شریفه نجَس را که مصدر یا حاصل مصدر است بر مشرکین حمل کرده است معلوم می شود که در مقام مبالغه بوده است. مخصوصا که با کلمه انما هم همراهش کرده است که مفید حصر یا تاکید است. یعنی ادعا کرده است که مشرکین یکی از افراد نجس هستند. و این تعبیر و ادعای فردیت در صورتی صحیح است که حقیقت مشرکین را عین عذره ببیند. و این تعبیر در صورتی صحیح است که مشرکین باطنا خباثت و ظاهرا نجاست بالایی داشته باشند. و حکم به عدم قرب مترتب بر این درجه از نجاست ادعائیه است. و دلیلی بر الحاق نجاساتی که برایشان چنین ادعایی نشده و آنها خود نجَس تلقی نشده اند (بلکه شیء فیه النجَس لحاظ شده اند که می شود نجِس) نداریم. ( خمینی ،ص 439)

## نتیجه نهایی

پس بررسی به این نتیجه رسیدیم که علاوه بر نظر مشهور در مسئله حقیقت و مجاز نظر دیگری هم وجود دارد که بسیار قویی بیان شده است و از پشتوانه خوبی برای اثبات خود بهره مند است. فلذا جا دارد که علما در بررسی های خود این نظر را هم نیم نگاهی داشته باشد.

## فهرست منابع

* هاشمی ، احمد ، جواهر البلاغه ، مركز مديريت حوزه علميه قم‏ ، 5 ، 1381 ، قم
* سكاكى، يوسف بن ابى بكر ، مفتاح العلوم ، دار الكتب العلمية ، 1 ، بیروت
* جرجانى، عبد القاهر بن عبد الرحمن‏ ، اسرار البلاغه ، دار الكتب العلمية ، 1 ، بیروت
* نجفی اصفهانی ، محمد رضا ، وقایه الاذهان ، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، قم
* فاضل موحدى لنكرانى، محمد منهاج الوصول الی علم الاصول ،موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى ، 1 ، 1415 ق ، قم